

تہ جدوجہا ۷

راز قلعی افسون شدہ

روبرتو سانتیاگو
تصویرگر: انریکہ لورنسو
مترجم: سعید متین



ہویا
Hoopa

من فرانسیسکو گارسیا کاساس هستم و در این لحظه دامن سبز
 چهارخانه‌ای پام است که به جوراب‌هایم می‌آید.
 صبح شنبه است.
 وسط دشتم.
 هوا خیلی خیلی سرد است. یک بادی می‌وزد که پاهای آدم یخ
 می‌زند.
 اولین بار است توی زندگی‌ام که دامن می‌پوشم.
 باد یخ را حس می‌کنم که می‌خورد به پاهایم.
 تمرکز می‌کنم.
 نفسم را می‌دهم بیرون.

